

پرسش و پاسخ

با کاوشگران تاریخ و دانشوران معرفت

◊ آقای عبدالوهاب تیموری از رامهرمز سؤال کرده‌اند: «اسلام امریکایی» چه تعریفی دارد و امروز مصداق آن چه کسانی هستند؟

ﷺ اسلام امریکایی، آیین به‌ظاهر اسلامی است که با منافع غارتگرانه زورمداران و جهانخواران هیچ‌گونه مغایرت و تضادی ندارد و در برابر، با حقوق توده‌های مستضعف و محروم و ستمدیدگان جامعه در تضاد است؛ امام خمینی(س) شاخص‌های دقیق چنین اسلامی را به‌درستی در فرمایشات خود تبیین فرموده‌اند و به نظر می‌رسد دقیق‌تر از این شاخص‌ها برای فهم ماهیت اسلام امریکایی و اسلام ناب محمدی شاخص دیگری نباشد. امام در پیامی به

ملت ایران در آستانه شرکت در انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی می‌فرمایند: مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعبد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند و طعم تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنجدیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاکتینتان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی «صلی‌الله علیه و آله و سلم» باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان و در یک کلمه، اسلام امریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند.^۱

با شاخص‌های مذکور به راحتی می‌توان مدافعان اسلام امریکایی در جهان را تشخیص داد؛ جریان‌هایی مانند آیین سیاه و کفرآمیز و ساخته دست استعمار و هابیت، بابیه و بهاییه که نه تنها با آز و نیاز استعماری امریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و... تضادی ندارند بلکه مجری سیاست شوم و خانمانسوز آنان در جهان اسلام بوده و هستند، منافقینی که در دامن امریکا به کشتار ملت ایران و ملت عراق پرداختند، سکولارها و لیبرال‌های غربگرای که از بدو پیدایش، حامی منافع دولت‌های غربی بوده و هستند و به کمتر از تسلیم ایران در برابر شیطان بزرگ رضایت نمی‌دهند، مقدس‌آبان که از دین فقط زهد و دنیاگریزی و گوشه‌نشینی و به انتظار ظهور منجی بودن را تبلیغ می‌کنند و دست به سیاه و سفید نمی‌زنند، حجتیه‌ای‌ها که دین را از سیاست جدا می‌دانند و با وجود این در راه نفوذ و رخنه در پست‌های کلیدی نظام جمهوری اسلامی سر از پا نمی‌شناسند و پیوسته در تلاش‌اند که با توطئه و ترفندها راه امام را بی‌رهو سازند و انقلاب اسلامی را به مسلخ بکشانند و بسیاری از جریان‌های شبیه به اینها، مصداق مسلم اسلام امریکایی می‌باشند. همان‌طور که در تاریخ معاصر دیده‌ایم امروز بزرگ‌ترین مسئولیت و مأموریت پیروان این فرقه‌ها، نگهبانی از منافع غارتگرانه و بی‌حد و مرز ابرقدرتها

و اجرای سیاست ضداسلامی آنان در منطقه و جهان است و اگر قرار باشد استعمار سامان اجتماعی جوامع انقلابی دنیای اسلام را بر هم بریزد با کمک این عناصر اقدام خواهد کرد.

کشتار بیش از ۶۰۰ تن از زائران بیت‌الله‌الحرام به جرم اعلام برائت از مشرکین و سردادن شعار مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل، پرورش مزدوران و حیره‌خوارانی به نام طالبان و القاعده و تبدیل عراق و افغانستان به حمام خون به دست آنان و همدستی با سازمان سیا و موساد در راه ریودن دانشمندان ایرانی، از نمونه‌های آشکار جنایت‌ها و خیانت‌های نابخشودنی حزب صهیونیستی وهابیت است که از پیروان اسلام امریکایی می‌باشد.

همچنین تشویق مردم مسلمان به رفاه‌طلبی و زندگی تجملاتی و ترویج و تأیید اینکه مالکیت در اسلام محدود نیست، از آثار شوم اسلامی امریکایی است.

کسانی که «جنگ فقیر و غنی» را در اسلام رد می‌کنند؛

کسانی که از «عقب‌نشینی» و «گفت‌وگوی تمدن‌ها» دم می‌زنند؛

کسانی که مذاکره و سازش با امریکا را کلید حل تمام مشکلات ایران می‌دانند؛

کسانی که مردم را از منزوی شدن در سطح جهانی (جهان استکباری) می‌ترسانند؛

کسانی که مسئله فلسطین را مسئله ایران نمی‌دانند؛

کسانی که تز استعماری-ارتجاعی «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است» را

ترویج و تأیید می‌کنند و توصیه الهی و اسلامی «الجار ثم الدار» را زیر پا می‌گذارند؛

کسانی که برای دستیابی به مقام و منصب و یا حفظ آن از هیچ خیانتی پروا ندارند و

حاضرند که کشور را به حمام خون تبدیل کنند و آتش جنگ داخلی را شعله‌ور سازند؛

کسانی که منافقانه دم از امام می‌زنند، نان امام را می‌خورند و آش دشمنان امام را هم

می‌زنند و کسانی که از رهنمودهای مقام معظم رهبری سرپیچی می‌کنند و با اصل ولایت‌فقیه

به ستیز برمی‌خیزند و...

دانسته یا ندانسته دنباله‌رو اسلام امریکایی هستند.

❖ آقای سیدمحمد موسوی، از تهران پرسیده‌اند: بعضی از افراد این روزها از اینکه یاران امام به زیر سؤال می‌روند و یا مورد انتقاد قرار می‌گیرند، اظهار نگرانی می‌کنند... راستی کدامیک بیشتر دارای حرمت هستند؛ راه امام یا یاران امام؟

باید دانست یاران امام - اگر یاران نایار و وادادگان بیمار نباشند - مورد احترام و محبت علاقه‌مندان به امام هستند. ملتی که به امام عشق می‌ورزد، حرمت یاران امام را نیز پاس می‌دارد، لیکن کسانی که از خط امام جدا شده و به بیراهه رفته‌اند و با شیوه‌ای منافقانه و ریاکارانه دم از امام می‌زنند و بر آن اند که با ادعای پیروی از خط امام، خط امام را بکوبند و راه امام را بی‌رهر و سازند، از منافقانی هستند که خطر آنان برای اسلام، انقلاب اسلامی و استقلال ایران، از خطر شیطان بزرگ و صهیونیسم بین‌المللی بیشتر است و رویارویی با آنها از وظایف مهم و برجسته ملت ایران و پیروان راستین راه امام است و شکستن حرمت و شخصیت آنان، در واقع پاسداری از حرمت امام است.

یاران راستین امام، همانند خود امام، امروز مورد بغض و کینه و خصومت استکبار جهانی هستند. رسانه‌های غربی و دستگاه تبلیغاتی استعماری بر ضد آنان به شدت جوسازی و سمپاشی می‌کنند و بر آنان می‌تازند. اما کسانی که مورد پشتیبانی بوق‌های تبلیغاتی امریکا، انگلیس، رژیم صهیونیستی و دیگر فزون‌خواهان و جنایتکاران بین‌المللی قرار دارند، نمی‌توانند از یاران امام باشند.

یاران امام از پشتیبانی هم‌جنس‌بازان، تجزیه‌طلبان، سلطنت‌طلبان، منافقین، کمونیست‌ها و بهایی‌ها برخوردار نیستند. یاران امام برای دستیابی به قدرت و مقام و حفظ آن «قیصریه را به آتش نمی‌کشند». یاران امام مانند خود امام اعدام تروریست‌هایی را که دستشان به خون ملت ایران آغشته است به عنوان اقدامی که ضد حقوق بشر امریکایی است معرفی نمی‌کنند و برای آنها اعلامیه نمی‌دهند. یاران امام مثل خود امام شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را معیار انقلابی بودن و در خط رهبری بودن می‌دانند و به جای جمهوری اسلامی، جمهوری

رضاخانی را تبلیغ نمی‌کنند. یاران امام همچنان شعار آزادی قدس و محو اسراییل را شعار بنیادی انقلاب اسلامی و ملت ایران می‌دانند و می‌فهمند که آزادی از چنگال ابرقدرت‌ها در جهان اسلام منوط به آزادی قدس است و منافقانه شعار نه غزه، نه لبنان را جایگزین شعار مرگ بر اسراییل نمی‌کنند. یاران امام کسانی هستند که می‌فهمند اگر یک لحظه از ولایت‌فقیه جدا شوند به این مملکت و انقلاب آسیب می‌رسد چون امام فرموده‌اند: «پشتیبان ولایت‌فقیه باشید تا به مملکت شما آسیبی نرسد».

شاخص‌های زیادی از زبان مبارک خود حضرت امام مطرح شده است که می‌تواند مبنای سنجش مدعیان دروغین و راستین پیرو خط امام باشد و شما می‌توانید برای استخراج این شاخص‌ها به صحیفه / امام مراجعه فرمایید.

♦ آقای ف. جعفری از تهران نوشته‌اند شما نوشته‌اید: روشنفکران ایران سال‌هاست که از کنار تمایلات ملت ایران گذر کرده و آرمان‌ها، آرزوها، بینش‌ها، گرایش‌ها و حکومت‌هایی را برای ایران تجویز کرده و می‌کنند که ملت ایران تمایلی به آنها ندارد. از آنجا که میان اسلام‌گرایان، جزء معدود کسانی هستید که می‌شود با شما گفت‌وگو کرد، با توجه به مطلب بالا، می‌توانم بپرسم اگر چنان است که حضرت تعالی مدعی هستید، چرا سیستم سیاسی از برگزاری یک انتخابات آزاد، سالم و منصفانه هراس دارد؟!

خداوند محترم! جناب آقای جعفری! اولاً نمی‌دانیم شما از کجا به هراس سیستم سیاسی برای برگزاری انتخابات آزاد، سالم و منصفانه پی برده‌اید در حالی که هراس، امری روانی است و در حوزه روانشناسی اجتماعی، هراس حکومت‌ها را باید در رفتار آنها مشاهده کرد در حالی که اقدامات نظام جمهوری اسلامی در انتخابات که مبتنی بر مشارکت حداکثری مردم است نشان از عدم هراس از حضور مردم در صحنه دارد نه هراس از آن!

مستحضر هستید که حکومت‌هایی که از مردم هراس دارند دوست ندارند در همایش‌های عمومی مثل انتخابات که نوعی تأیید عمومی نظام هم هست، از حضور حداکثری مردم در صحنه استفاده نمایند؛ در حالی که اگر انصاف داشته باشیم می‌بینیم همیشه در جمهوری

اسلامی دعوت به مشارکت از ناحیه نظام دعوت حداکثری است نه بیرون کردن مردم از صحنه! بنابراین ما متوجه نشدیم که مکانیسم سنجش هراس حکومت توسط جنابعالی مبتنی بر چه شاخص‌هایی بود.

ثانیاً ما نمی‌دانیم مراد شما از برگزاری یک انتخابات آزاد، سالم و منصفانه چیست چون اینها واژه‌هایی هستند که مورد استفاده همه قرار می‌گیرند و حتی بسته‌ترین حکومت‌ها هم مدعی آنها هستند! پس ما تا برای فهم این مفاهیم با جنابعالی هم‌زبانی نداشته باشیم پاسخ‌هایی بی‌معنا به سؤالتان خواهیم داد؛ یعنی نه شما پاسخ ما را خواهید پذیرفت و نه ما می‌دانیم نقطه عزیمت سؤال شما کجاست! بنابراین بیاییم و مکانیسم این سؤال و پاسخ‌های احتمالی به آن را بررسی کنیم؛ یعنی شاخص هم‌زبانی ما برای فهم یک انتخابات آزاد، سالم و منصفانه را مشخص نماییم. چون جنابعالی پرسشگر این سؤال هستید مشخص فرمایید شما به کدام انتخابات، آزاد، سالم و منصفانه می‌گویید.

جواب‌های احتمالی شما!

۱. انتخاباتی که مبتنی بر قوانین جاری و پذیرفته‌شده جامعه باشد بدون کمترین تخلفی از قوانین جاری؛

۲. انتخاباتی که مبتنی بر آرمان‌های من روشنفکر باشد نه آنچه قانون یا مردم می‌گویند؛

۳. انتخاباتی که مبتنی بر خواسته‌ها و انگیزه‌های گروه‌های سیاسی و احزاب باشد و درصد بیشتری از مشارکت این جریان‌ها را فراهم سازد حتی اگر خلاف قوانین باشد؛

۴. انتخاباتی که...

قبول فرمایید به عدد انفاس خلاق می‌توان برای یک انتخابات به تعبیر شما آزاد، سالم و منصفانه شاخص درست کرد اما به شرطی که حد یقف این شاخص‌ها مشخص باشد وگرنه اصلاً نمی‌توان انتخاباتی برگزار کرد که جریان، گروه و فردی که به هر دلیلی در آن آرای مردم را جلب نکرده است مدعی نباشد که این انتخابات آزاد، سالم و منصفانه نبوده است! تصدیق می‌فرمایید که چنین انتخاباتی حتی در دموکرات‌ترین کشورهایی که به دموکراسی آن

معتقد هستیم بیشتر به خواب و خیال و رؤیا شبیه است تا واقعیت!

چون انتخابات طرف برنده و بازنده دارد و بازنده‌ها همیشه تصور می‌کنند اگر آزادی، عدالت، سلامت و انصاف رعایت می‌شد، برنده اصلی انتخابات بودند، پس همیشه افرادی در جامعه هستند که می‌گویند آزادی، سلامت، عدالت و انصاف در مورد آنها و جریان‌ات وابسته به آنها رعایت نشده است.

به نظر حضرتعالی ملاک تشخیص درستی و نادرستی این ادعاها چیست؟

شما از سه واژه گرانقدر آزادی، سلامت و انصاف برای فهم مشروعیت یک نظام سیاسی در برگزاری انتخابات استفاده کردید. اکنون برای من به عنوان دانشجوی سیاست این سؤال مطرح است که چه مکانیسمی آزادی، سلامت و انصاف را در نظام‌های سیاسی تعریف می‌کند؟ ما برای فهم این مسئله که آیا نظام سیاسی جمهوری اسلامی در پرسشگری‌های عمومی (که انتخابات، بخشی از این پرسشگری‌هاست) رعایت آزادی، سلامت و انصاف را کرده است باید به چه معیارها و ملاک‌هایی رجوع کنیم؟ ادعاهای چه کسانی و چه جریان‌اتی ملاک داوری است؟

مخالفان، موافقان، اصحاب قدرت، اصحاب ثروت، نخبگان، مردم، رادیوهای بیگانه، شبکه‌های اینترنتی، دولت‌های بیگانه، مجامع بین‌المللی، احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ، گروه‌های فشار، روحانیت، حوزه‌های علمیه، رهبری نظام، قانون، و یا...؟ امیدوارم دوست نداشته باشید این بحث را در یک فضای ذهنی و نظری صرف ادامه دهیم چون در چنین فضایی هر کسی پایبند آرمان‌های خود است و اگر مبنایی برای بحث نباشد نمی‌توانیم به نتایج درستی برسیم.